زیرا او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می‌باشد و اسم او قدوس است چنین می‌گوید: «من در مکان عالی و مقدس ساکنم و نیز با کسی که روح افسرده و متواضع دارد. تا روح متواضعان را احیا نمایم و دل افسردگان را زنده سازم. اشعیا ۵۷: ۱۵

جاودانگی خداوند

اگر تصور من نسبت به کلمه «جاودان» درباره خداوند این بود که او تا «انتهای عصر حاضر» یا «تا آخر این دنیا» وجود خواهد داشت، همین الان کتاب مقدسم را می‌بستم و در خانه منتظر می‌ماندم تا انتهای دنیا فرا رسد. اگر قرار بود خدای من اینقدر دوام داشته باشد و جاودانگی و ابدیت را در خود نداشت، من او را آنقدر شایسته نمی‌دانستم که بخواهم درباره‌اش صحبت کنم یا درباره او موعظه کنم.

کسی که عهد قدیم عبری را می‌خواند متوجه می‌شود که نویسنده، کلمات و دستور زبان عبری را تحت هرگونه فشاری قرار می‌دهد -همانطور که یک پارچه خیس را با تمام قدرت می‌چلانیم تا از آخرین قطره آن را در آوریم- تا بگوید خداوند ابدی است، انتها ندارد و همیشگی است. این موضوع درباره عهد جدید یونانی نیز صدق می‌کند. کلمه‌ای در زبان یونانی وجود ندارد که معنای ابدی، جاودانی، همیشگی، بی‌انتها، بی‌پایان و برای همیشه را بدهد و نویسندگان از آن استفاده نکرده باشند.

خداوند اینگونه است و درباره خود از این عبارات استفاده کرده است. کتاب مقدس نیز از تمامی ابزاری که در اختیار داشته -که همانا کلمات ضعیف و ناقص بشری هستند- استفاده کرده است تا این حقیقت عظیم را برای ذهن محدود انسان قابل درک سازد.

## ای پدر آسمانی، اعتراف می‌کنم که درک این حقیقت برایم بسیار دشوار است. درست است که آن را قبول کرده‌ام و به آن ایمان دارم ولی آن را نمی‌فهمم چون ذهنم توانایی و گنجایش درکش را ندارد. اعتراف می‌کنم که برایم چالش برانگیز است و بسیاری از مشکلاتم نیز از همین نشأت می‌گیرد. مرا ببخش و برای فهم بهتر آن کمکم کن، آمین!

*برگرفته از آثار W. A. Tozer*